

## سرکوب اقدام‌های تروریستی با تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد

پیمان نامامیان \*

میرهادی حسینی کندلجی \*\*

علیرضا شکرپیگی \*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

### چکیده

تحریم‌های اقتصادی از آغاز قرن بیست‌ویکم به طور فزاینده‌ای به ابزارهای برجسته سیاست تبدیل شده‌اند. بازیگران اصلی جهانی، نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد، اغلب از اقدامات اقتصادی تنبیهی برای پیشگیری از خشونت دولتی و سایر اقدامات دولتی که غیرقابل تحمل تلقی می‌شوند، استفاده می‌کنند. تحریم‌ها ابزار اصلی بحران‌هایی بوده‌اند که شامل نقض عمده حقوق بشر، تروریسم، تجاوز نظامی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای و اختلافات تجاری است. آنچه مبارزه علیه اقدام‌های تروریستی را از سایر اقدام‌ها متمایز می‌کند، تأکید بر ابزارهای اقتصادی است. از این‌رو، قدرت اقتصادی و نظامی دولت‌ها در فرایند مقابله با چنین اقدام‌هایی و استفاده از ابزارهای اقتصادی مختلفی نظیر اجرای تحریم‌های اقتصادی، این امکان را در مهار اقدام‌های تروریستی و حفاظت از امنیت بین‌المللی فراهم می‌آورد. از این‌رو، در کنار دیگر راهبردهای کنشی و واکنشی مؤثر در مبارزه با تروریسم، مهم‌ترین راهبرد اتخاذ رویکردهای تحریمی یا تجویز تحریم اقتصادی در مواجهه با اقدام‌های تروریستی است. بنابراین تحریم اقتصادی در زمینه مبارزه مؤثر با تروریسم نه تنها موجبات نقض قواعد حقوق بشری را فراهم نمی‌نماید، بلکه خود راهبردی در راستای احیای حقوق از دست‌رفته بشر به شمار می‌آید.

### کلید واژگان:

تروریسم، اقتصاد، تحریم اقتصادی، شورای امنیت، سازمان ملل متحد.

\* استادیار، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)

p-namamian@araku.ac.ir

\*\* استادیار، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اراک

m-hosseinkondelaji@araku.ac.ir

\*\*\* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران

ali.shakarbaigi@gmail.com



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

اگرچه کشورها به‌ندرت از تحریم‌های اقتصادی به‌طور خاص برای مبارزه با تروریسم فراملی استفاده می‌کنند، اهداف بالقوه تحریم‌ها اغلب با کمپین‌های تروریستی در قلمرو خود مواجه می‌شوند. کشورها ممکن است به دلیل ترس از تضعیف بیش از حد کشورهای هدف، از تحریم‌ها علیه کشورهای دارای تروریست اجتناب کنند و در نتیجه به‌طور غیرمستقیم گروه‌های تروریستی را تقویت کنند.

مطالعات درباره تروریسم، از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیار گسترده‌تر شده، هرچند با وجود این فراوانی، به آگاهی‌های اساسی قبلی چندان افزوده نشده است. با گذشت زمان، حملات تروریستی کشنده‌تر، و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سبک حملات و محل وقوع وقایع تروریستی دچار دگرگونی شده است؛ البته بیشتر دگرگونی، در ترکیب وقایع رخ داده است نه در سطح کل وقایع تروریستی. بنابراین به نظر می‌رسد تنظیم مقررات مناسب تا حدود زیادی می‌تواند از بروز برخی فعالیت‌های تأمین مالی تروریسم پیشگیری نماید. مقررات ضعیف ممکن است قاچاق انسان و کالاهای غیرقانونی (اسلحه، مواد مخدر، مصنوعات فرهنگی، محصولات حیات وحش و غیره) را تشویق کند. اغلب، درآمد حاصل از این نوع قاچاق جزء مهم تأمین مالی تروریسم است.<sup>۱</sup> به علاوه، امروزه استفاده از تحریم به عنوان ابزاری به منظور کنترل کشورهای درآمدی است که به زعم برخی دیگر از کشورها از موازین جهانی تعریف‌شده توسط ایشان تخلف نموده‌اند. از این‌رو، تحریم ابزاری تنبیهی است که در سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تحریم، فشار بر کشور هدف برای تغییر رفتار است. این تغییر رفتار می‌تواند تغییر رفتار سیاسی یا تغییر سیاست‌های اقتصادی باشد.

البته در توجیه این محدودیت‌ها این قبیل کشورها معمولاً تخلف از قواعد امره بین‌المللی را دستاویز قرار می‌دهند و بهترین توجیه در این خصوص می‌تواند دستیابی یا تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی باشد. مهار و پیشگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به‌سرعت در حال گسترش و تحول است. به منظور درک نقش منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در

1. Sumpter, C., & Franco, J. Migration, transnational crime and terrorism: Exploring the nexus in Europe and Southeast Asia, Perspectives on Terrorism, 2018, 12(5), pp 36-50.

سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ به طور عام و در اعمال تحریم از سوی اعضای دائم شورای امنیت، به ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا، باید ساختار و مهم‌تر از آن روابط بین‌المللی و تحریم بررسی شود. تحریم بین‌المللی یکی از کارآمدترین روش‌های الزام دولت تحریم‌شده به انجام منویات جامعه بین‌المللی یا دولت تحریم‌کننده است. صرف‌نظر از اینکه این تحریم‌ها در مواقعی با زیاده‌خواهی و مطالبات سیاسی تعداد اندکی از دولت‌ها همراه می‌شود، تحریم به عنوان ابزاری برای تشویق دولت‌ها به انجام تعهدات سازمانی خود در سازمان‌های بین‌المللی مهمی نظیر سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی شده است. تحریم، خصمانه‌ترین گزینه غیرنظامی در روابط بین‌المللی تلقی می‌شود؛ چنان‌که تحریم در منشور ملل متحد، به عنوان آخرین روش پیش از توسل به زور از سوی شورای امنیت در ماده ۴۱ ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد در نظر گرفته شده است.

تحریم به عنوان سازوکاری در روابط بین‌المللی برای الزام دولت متخلف به رعایت تعهدات بین‌المللی پیش‌بینی شده است. تحریم که از منظر حقوق بین‌الملل نوعی اقدام متقابل محسوب می‌شود تا پیش از این صرفاً علیه دولت در تمامیت آن اعمال می‌شده است. ظهور تروریسم بین‌المللی و ایراداتی که متوجه تحریم‌های سنتی بود، موجب گشت تا نسل جدیدی از تحریم‌های بین‌المللی معروف به تحریم هوشمند پدیدار گردد. در یکی از اشکال این نوع تحریم تنها بازیگران غیردولتی که مسئول اصلی تخلفات بین‌المللی هستند، تحریم می‌شوند. یکی از اشکال تحریم هوشمند، تحریم اشخاص حقیقی است که مسائل نوینی را با خود مطرح کرده است. هرچند این تحریم‌ها به دلیل تخلفات بین‌المللی برخی اشخاص اعمال می‌گردد، خود می‌تواند با نقض برخی از اصول حقوق بین‌الملل همراه باشد.<sup>۱</sup>

## ۱. تعاریف و مفاهیم

تحریم‌های اقتصادی ساختارهای سیاسی و اقتصادی داخل یک کشور را مختل، و بر نهادهای جامعه تأکید می‌کند که احتمال اقدامات تروریستی را می‌افزاید و دلایلی را برای گروه‌های مخالف برای استفاده از ترور برای متزلزل کردن اقتدار رهبران دولتی ارائه می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. ضیایی، سیدياسر و علیرضا محمدی مطلق، **تحریم اشخاص حقیقی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم برخی اتباع ایرانی**، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۳، ش ۸۸، ص ۱۵۱.  
 2. Thomas Altmann & Jason Giersch, *Sanctioned terror: economic sanctions and more effective terrorism*, International Politics volume 59, 2022, pp 383–397.

هرچند در متون و اسناد قدیمی حقوق بین‌المللی، اصطلاح تحریم، معادل ضمانت‌اجرا در نظر گرفته می‌شد، امروزه اصطلاح تحریم،<sup>۱</sup> صرفاً ناظر بر محدودیت‌های بین‌المللی علیه یک دولت یا محرومیت یک دولت از حقوق خود است. ممکن است کشوری به دنبال نقض یکی از قواعد روابط بین‌الملل یا حقوق بین‌الملل توسط کشور دیگری متضرر شود و به این دلیل به مجازات آن کشور در قالب تحریم دست زند. در غیر این صورت اگر کشور تحریم‌کننده فقط قصد اجبار و سوق‌دادن کشور تحریم‌شونده به سیاستی خاص را داشته باشد، تحریم، صرفاً جنبه سیاسی می‌گیرد و از جوانب حقوقی خالی خواهد شد.<sup>۲</sup> به طور کلی، تحریم برای نشان دادن ناراضی‌ت‌های اقدام‌های یک دولت یا وادار کردن آن برای تغییر برخی سیاست‌ها و اقدام‌ها یا حتی تغییر ساختار دولتی است.<sup>۳</sup> افزون بر این، تحریم به مجموعه اقدام‌هایی اطلاق می‌شود که از سوی قدرت‌های دنیا در راستای تنبیه یک دولت یا وادار کردن این کشور به انجام یا عدم انجام عملی به کار گرفته شده است.

برای شناخت دقیق تحریم و ارائه تعریفی جامع و مانع از آن و برای آنکه بتوانیم مصادیق واقعی آن را شناسایی نماییم، باید در وهله اول تفاوت مفهوم «تحریم اقتصادی» با «تحریم تجاری» مشخص کنیم. هرچند در ظاهر «تحریم تجاری» و «تحریم اقتصادی» از نظر اقتصادی یک تأثیر را دارند، اما از نظر حقوقی دارای آثار متفاوتی‌اند. تحریم تجاری محدودیت‌هایی است که دولت‌های ملی بر تجارت بین‌المللی اعمال می‌کنند. این گونه محدودیت‌های تجاری اهداف تعریف‌شده سیاست تجاری یک دولت است؛ در حالی که در تعریف تحریم اقتصادی آن را چون ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی مطرح می‌کنند.<sup>۴</sup>

تحریم اقتصادی اقدام برنامه‌ریزی‌شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی است که دارای اثرات سیاسی و فرهنگی برای اعمال فشار بر کشور هدف می‌باشد. تحریم اقتصادی اغلب به‌عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه قهریه تلقی می‌شود. از این‌رو، تحریم اقتصادی را می‌توان تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک کشور یا چند کشور به منظور ایجاد

1. Jean Combacau, "Sanctions", in: Rudolf Bernhardt, *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 9, 1981, p 337.

2. See: D. W. Bawett, "International Law and Economic Coercion," *Virginia Journal of International Law*, No. 16, 1976, p. 86.

3. Barry E. Carter, "International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime," *California Law Review*, No. 75, 1987, p 1166.

4. Executive Order 12170, 14 November, 1979.

تغییر در سیاست‌های کشور مورد هدف تحریم و یا دست‌کم بازگوکننده نظریات کشور تحریم‌کننده در مقابل تحریم‌شونده تعریف نمود. به عبارت دیگر، تحریم اقتصادی از اقدام سلبی در قطع و روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر برمی‌خیزد. در واقع امروزه از تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در راستای نیل به اهداف سیاست خارجی از سوی کشورهای دیگر می‌توان یاد نمود. هدف کشور تحریم‌کننده، تحریف روابط اقتصادی کشور تحریم‌شونده از طریق کاهش سطح تجارت بین‌المللی آن کشور است.<sup>۱</sup>

تحریم‌های بین‌المللی به دونوع چندجانبه و یکجانبه تقسیم می‌شود. هدف از تحریم‌های چندجانبه، اقدام‌های جمعی است که کشورها در راستای رسیدن به اهداف خود برای تنبیه یا اجبار یک دولت برای همکاری یا همسوکردن سیاست‌های خود با دولت‌های تحریم‌کننده اعمال می‌کنند. اگرچه منعی وجود ندارد که این اقدام‌ها در قالب توافقات چندجانبه کشورها صورت پذیرد، غالب آنها در چارچوب تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا اعمال می‌شود.<sup>۲</sup> تحریم‌های یکجانبه، مجموعه اقداماتی است که به صورت کاملاً یکجانبه و خارج از هر سازمان یا توافق بین‌المللی از سوی یک دولت علیه دولتی دیگر اتخاذ می‌شود.<sup>۳</sup>

با این همه، برخی از برنامه‌های تحریم، شامل اقدامات جامعی مانند محدودیت‌های تجاری، ممنوعیت سرمایه‌گذاری و کاهش کمک‌های اقتصادی یا نظامی است. افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها یا بخش‌های اقتصادی خاصی را هدف قرار می‌دهند. تحریم‌های هدفمند شامل مسدودکردن دارایی‌ها، ممنوعیت فروش فناوری و فناوری نظامی است که می‌تواند برای مقاصد غیرنظامی یا نظامی (فناوری با استفاده دوگانه)، محدودیت‌های فعالیت بانکی بین‌المللی و ممنوعیت سفر مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۴</sup>

۱. زهرانی، مصطفی، *نظریه تحریم اقتصادی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰.

۲. Rennie Atterbury, "Unilateral Sanctions: Relearning Forgotten," *American Society of International Law Proceeding*, Vol. 91, 1997, p 338.

۳. Navin A. Bapat, and Clifton Morgan, "Multilateral Versus Unilateral Sanctions Reconsidered: A Test Using New Data," *International Studies Quarterly*, Vol. 53, 2009, p 1075.

۴. ضیایی، سیدياسر و علیرضا محمدی مطلق، منبع پیشین، صص ۱۵۴-۱۵۳.

5 <https://www.hfg.org/wp-content/uploads/2022/11/sanctions-nov-21-final.pdf>

تروریسم و تحریم اقتصادی هر دو مفهومی هستند که نیازمند شفاف‌سازی می‌باشند. تروریسم به معنی خشونت با انگیزه سیاسی از پیش طراحی شده علیه اهداف غیرنظامی است که گروه‌ها یا عواملی برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطب، آن را صورت می‌دهند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، تروریسم به عنوان یک عمل خشن عمدی یا تهدید به خشونت از سوی یک عامل غیردولتی به منظور نیل به یک هدف سیاسی، اقتصادی، دینی یا اجتماعی محسوب می‌شود. هرچند تعاریف مزبور یکی از پرکاربردترین تعاریف در ادبیات است، در برابر انتقاد مصون نیست؛ زیرا تمایزی بین تهدید و سوانح تروریستی بالفعل قائل نشده است. از این رو، به منظور موجه‌نمایی شمول تهدید به اعمال زور تروریسم به همان اندازه با تهدید به خشونت ارتباط دارد که با خود عمل خشونت‌آمیز مرتبط است. شاید مهم‌ترین عامل گسترش و بقای تروریسم، حمایت‌های مالی از این افراد و گروه‌های تروریستی است.<sup>۲</sup>

## ۲. تحریم‌های اقتصادی؛ اهداف و ضروریات

در دهه‌های اخیر شاهد استفاده فزاینده از مجازات‌های اقتصادی و سایر اشکال تحریم برای وادار کردن کشورهای هدف و گهگاه گروه‌های غیردولتی مسلح به توقف سرکوب خشونت‌آمیز و سایر اشکال نقض حقوق بشر، تجاوز نظامی، تولید سلاح‌های کشتار جمعی، یا سایر اعمالی بوده‌ایم که توسط تحریم‌کنندگان غیرقابل تحمل تلقی می‌شوند. اینها اغلب توسط بازیگران بزرگ جهانی، به ویژه ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد مستقر می‌شوند. تحریم‌ها به طور گسترده‌ای به عنوان جایگزین‌های ارجح برای مداخله نظامی در نظر گرفته می‌شوند که در آن دیپلماسی در تغییر رفتار هدف ناکارآمد است یا پیش‌بینی می‌شود.<sup>۳</sup>

تحریم‌های اقتصادی از نظر هدف، مشتمل به دو نوع تحریم اقتصادی به منظور بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف و تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف تقسیم می‌شود: نوع اول که در واقع برگرفته از تضاد در منافع راهبردی کشور تحریم‌کننده

۱. امیرلی، حسین و کامیار ثقفی، ارائه مدل مفهومی ارزیابی تهدیدات تروریسم سایبری، امنیت ملی، ۱۳۹۸، د ۹، ش ۳۳، صص ۳۹۸.

۲. اسدزاده بنایی، حسین و محمد رسایی، تحلیل جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم در حقوق ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۴۰۰، د ۱۷، ش ۲، پیاپی ۴۸، ص ۷۰.

3. <https://www.hfg.org/wp-content/uploads/2022/11/sanctions-nov-21-final.pdf>

و کشور هدف می‌باشد، برای تغییر رژیم کشور هدف است؛ نوع دوم که تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف است، به مراتب ملایم‌تر از نوع اول است. زمانی که کشورها به دنبال تغییر رژیم یک کشور هستند، تحریم نوع اول اعمال می‌شود، با این هدف که لطمه‌ای سنگین به منافع کشور هدف وارد آید. در واقع در این نوع تحریم، به طور عملی تحریم اقتصادی جایگزین جنگ و گزینه «ماقبل جنگ» تلقی می‌شود.

بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، معمولاً اعمال تحریم و مجازات علیه کشوری یا گروهی برای دستیابی به یکی از اهداف زیر و یا ترکیبی از آنها صورت می‌گیرد:

۱. پیشگیری از دستیابی یک کشور یا گروه به توانمندی‌هایی که می‌توانند برای صلح و امنیت بین‌المللی خطرناک یا نگران‌کننده باشند.
  ۲. ایجاد موانع فرضی یا واقعی برای دشوار کردن ادامه راه.
  ۳. مهار یک‌جانبه، دوجانبه یا چندجانبه برای خنثی کردن یا کاهش دامنه تهدیدات.
  ۴. بدنام کردن یک کشور یا هیئت حاکمه یک کشور یا یک گروه در سطح بین‌المللی به عنوان یاغی، متجاوز یا منشأ خطر و تهدید.
  ۵. پاسخگو کردن و تغییر رفتار یک دولت در قبال مردم آن یا جامعه بین‌المللی.
  ۶. همراه کردن از طریق اعمال دیپلماسی اجبار.
- گروه‌های کاری سازمان ملل متحد در بررسی دلایل ناکارآمدی تحریم‌ها و مجازات‌های شورای امنیت موارد زیر را مطرح کرده‌اند:
۱. عدم همکاری جامعه بین‌المللی در اجرای کامل مصوبات شورای امنیت.
  ۲. عدم نظارت کامل بر مرزهای آبی، خاکی و هوایی کشور مورد تحریم.
  ۳. عدم همکاری دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در ارائه گزارش موارد ناقض تحریم از سوی دولت‌ها، مؤسسات و افراد ذی‌نفع.
  ۴. کاهش تدریجی حساسیت بر روی کنترل‌ها با طولانی‌شدن تحریم و آلودگی افراد و سازمان‌های کنترل‌کننده به فساد.
  ۵. خسارت‌های وارده به سایر کشورها و گسترش دامنه توجیه بهره‌برداری از بند ۵۰ منشور ملل متحد در نادیده گرفتن بخشی از تحریم‌ها.

۶. خسارت‌های وارده به مردم عادی و طبقات غیرهدف و نیز تحریک افکار عمومی مردم جهان.
۷. عدم دستیابی به نتیجه مورد نظر و حتی گرفتن نتیجه معکوس.
۸. عدم بازنگری مستمر نتایج مجازات‌ها و تحریم‌ها در کمیته تحریم.
۹. محدودبودن اختیارات کمیته تحریم در تخفیف بندهایی از تحریم بر اساس نتایج بازنگری.
۱۰. غیرهوشمند و غیرهدفمند بودن تحریم‌ها.

تحریم‌ها باید توسط اعضای جامعه بین‌المللی اجرا شود و این لازم است که اعضا کاملاً از منطقی بودن اقدامات از ابتدا و در طول اعمال تحریم‌ها مطلع باشند. باید اطمینان حاصل شود که حمایت سیاسی و اراده سیاسی برای اعمال تحریم وجود دارد. باید جامعه بین‌المللی به این نتیجه برسد که خود وضع‌کننده تحریم است. اهداف تحریم باید به صورت شفاف، در اقدامات تمامی اعضای سازمان ملل متحد مشاهده شود. از این رو، منظور از حفظ حمایت‌های بین‌المللی این است که جامعه بین‌المللی باید به این باور برسد که تحریم‌ها هدفمند است. البته باید سازوکار لازم برای تضمین مراقبت و پیگیری پیشرفت اقدامات در طول تحریم اندیشیده شود و کشورها ملزم به ارائه گزارش شوند و موارد نقض تحریم‌ها مشخص شود.

دبیرخانه سازمان ملل متحد دارای تجارب قابل توجهی در اعمال تحریم‌هاست. لازم است تا یک بانک اطلاعاتی تحریم ایجاد شود تا به کمیته تحریم، کشورهای عضو و گروه‌های کارشناسی و سازوکارهای مراقبتی خدمات ارائه کند. از این طریق به صورت نظام‌مند از تجارب گذشته درس خواهیم گرفت. در کنار آن سازمان ملل متحد باید تحقیقات خود را درباره رژیم‌های فعلی تحریم روزآمد سازد. پیشنهاد می‌شود یک نفر به عنوان هماهنگ‌کننده ویژه دبیر کل در این رابطه برگزیده شود. لازمه اعمال تحریم در اختیار داشتن بودجه متناسب با آن است. کمیته مقابله با تروریسم از تجارب خوبی برای فراگیری بهره‌مند است. ایجاد یک کمیته ویژه برای اطلاع‌رسانی به دولت‌های عضو درخصوص چگونگی مقابله با تروریسم، روش مناسبی برای اجرای تحریم‌هاست.

رژیم تحریم‌های مؤثر نیازمند ظرفیت‌سازی و برنامه‌های آموزشی است. اجرایی‌شدن تحریم‌ها درگرو ظرفیت‌سازی برای بسیاری از کشورهای عضو، و نیز نیازمند آموزش کارکنان و برنامه‌های آموزش ملی از جمله پلیس، گمرکات، خدمات حمل و نقل، کنترل‌های مالی و غیره است.



### ۳. تروریسم و اقتصاد؛ آثار و روابط

#### ۳.۱. تأثیر اقتصاد بر تروریسم

ارتباط بین امنیت و صلح با رشد اقتصادی بسیار مهم و ضروری است؛ چراکه توسعه اقتصادی بدون امنیت رخ نمی‌دهد و صلح و امنیت بدون رشد امکان تحقق پایدار نخواهد داشت.<sup>۱</sup> برخی مواقع انگیزه‌های اقتصادی با عملیات تروریستی مرتبط است؛ به گونه‌ای که وضعیت فقر، بیکاری، سطح پایین عدالت اجتماعی و وجود فساد، همه عواملی هستند که منجر به گسترش پدیده تروریسم و رشد قابل توجه آن می‌شوند.<sup>۲</sup> مطالعات، یافته‌های متفاوتی را بسته به انتخاب مشخصه مدل، متغیرهای ثانوی و عملی کردن سطح تروریسم، و یک همبستگی آماری منفی و معنی‌دار را بین معیارهای عملکرد اقتصاد و سطح خشونت تروریستی گزارش کرده‌اند.<sup>۳</sup> البته برخی هم کشور محل وقوع حمله و هم کشور زادگاه تروریست‌های مجری حمله را مورد مطالعه قرار داده و دریافته‌اند که کشورهای مرفه با احتمال بیشتر دچار حمله‌های تروریستی می‌شوند. از این‌رو، هیچ رابطه‌ای بین تروریسم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا سرمایه‌گذاری پورتفوی پیدا نکردند، اما پی بردند که توسعه اقتصادی در یک کشور یا در شرکای تجاری برتر آن موجب کاهش تروریسم در آن کشور می‌شود.<sup>۴</sup>

نگرانی‌هایی درباره قابلیت اطمینان مطالعات فوق‌الذکر از دو جنبه ابراز شده‌اند: الف) کیفیت داده‌ها؛ ب) قانع‌کنندگی علت‌شناسی. ادبیات نظری در بررسی این نگرانی‌ها در دو جهت توسعه پیدا کرده است. البته برخی سعی دارند هر دو موضوع را در یک مجموعه تمام‌کشوری مطالعه و بررسی کنند.<sup>۵</sup> از نظر داده‌ها، آبادی به جای استفاده از منابع دادگانی وزین که آمار حملات

1. Zakaria, M., Jun, W., & Ahmed, H", Effect of terrorism on economic growth in Pakistan: an empirical analysis", *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 2019, 32(1), pp 1794-1812.

۲. ایمن عبدالکریم، حسین، **تروریسم، عوامل و انگیزه‌ها و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی**، مجموعه نشریات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی بیان، ۲۰۱۸، ص ۴.

3. Drakos, Kostas and Andreas Gofas.. "In Search of the Average Transnational Terrorist Attack Venue", *Defence and Peace Economics*, 2006, 17(2), pp 73-93.

4. Li, Quan and Drew Schaub.. "Economic Globalization and Transnational Terrorist Incidents: A Pooled Time Series Cross Sectional Analysis." *Journal of Conflict Resolution*, 2004, 48(2), pp 230-258.

5. Abadie, Alberto.. "Poverty, Political Freedom, and the Roots of Terrorism." *American Economic Review* (Papers and Proceedings), 2006, 96(2), pp 50-56.

تروریستی یا کشتارها را ارائه می‌کنند، متغیر وابسته خود را بر مبنای شاخص جهانی تروریسم مرکز تحقیقات بازار جهانی قرار داد که بر اساس نگاه‌های چهار عامل پیش‌بینی‌کننده انگیزه، حضور، مقیاس و اثربخشی تروریسم را در بر می‌گیرد. مهم‌تر اینکه وی از یک رویکرد متغیرهای ابزاری برای بررسی درون‌زایی بالقوه بین عملکرد اقتصادی و میزان خطر تروریسم استفاده کرده است؛ یعنی عملکرد اقتصادی ضعیف ممکن است علت تروریسم باشد، اما تروریسم (یا پیش‌بینی تروریسم) هم می‌تواند عملکرد اقتصادی را تحلیل ببرد.

رویکرد دیگر که به منظور ارتقای شناخت تجربی ما از روابط بین اقتصاد و تروریسم اتخاذ شده، رهاسازی مطالعات تمام‌کشوری و تمرکز بر روی جزئیات سطح خرد در درگیری‌های تروریستی مهم است. ایشان دریافتند که عاملان تروریست خودشان نه فقیر و نه بیسواد یا کم‌سوادند، بلکه وضع اقتصادی و تحصیلی‌شان در جایی پیرامون وضع متوسط در جامعه‌شان یا حتی قدری بیشتر از آن قرار دارد.<sup>۱</sup> به علاوه، اظهار داشتند از آنجا که تروریست‌ها فقیر و بی‌سواد نیستند، اقتصاد و تحصیلات نباید عوامل مهم تعیین‌کننده تروریسم باشند. در واقع کروگر بر اساس این شواهد اظهار داشته است که بدون شک فقر رابطه‌ی زیادی با تروریسم ندارد.<sup>۲</sup>

سازمان‌های تروریستی نیروهای جذبی بالقوه را بر اساس بعد توانایی یک تروریست که همبستگی مثبتی با وضع اجتماعی-اقتصادی دارد، غربال و انتخاب می‌کنند (یعنی افراد با سوادتر تروریست بهتری می‌شوند). برخی از محققان شواهدی تجربی را ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهند تروریست باسوادتر در واقع در اجرای وظایف دشوار کارآمدتر است.<sup>۳</sup>

### ۳.۲. تأثیر تروریسم بر اقتصاد

به طور کلی، روابط متقابل میان تروریسم و اقتصاد سؤال دیگری را پیش می‌آورد که متخصصان اقتصاد سیاسی بدان پاسخی منطقی ارائه کرده‌اند: «تروریسم چه تأثیری بر اقتصاد یک کشور دارد؟» این ادبیات به طور مبسوط در مطالعات برخی از پژوهشگران بررسی شده

1. Krueger, Alan B. and Jitka Maleckova, "Education, Poverty, and Terrorism: Is There a Causal Connection?" *Journal of Economic Perspectives* 17(4), 2003, pp 119-144; Berrebi, Claude, "Evidence About the Link Between Education, Poverty and Terrorism Among Palestinians." Princeton University Industrial Relations Section Working Paper, 2003, p 477.

2. Krueger, Aland B.. What Makes a Terrorist: Economics and the Roots of Terrorism, Princeton: Princeton University Press, 2007, pp 158-159.

3. Benmelech, Efraim and Claude Berrebi, "Attack Assignments in Terror Organizations and the Productivity of Suicide Bombers." Harvard University Typescript, 2006, pp 189-192.

است.<sup>۱</sup> یک حقیقت آشکارشده مهم حاصل از این ادبیات آن است که ارائه یک شرح حال کامل راجع به تأثیرات حملات تروریستی تمام‌عیار بر اقتصاد کلان کار بسیار دشواری است. برآورد ارزش پولی خسارات ناشی از تروریسم به همان روش برآورد هزینه اقتصادی ناشی از خشونت صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup>

حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را در نظر بگیرید. برای محاسبه هزینه‌ها باید جمعی از آثار مستقیم را مدنظر قرار دهیم؛ یعنی کشته‌شدن افراد کارساز و دارای بهره‌وری، نابود شدن زیرساخت‌ها و متوقف‌شدن فرایندهای مالی و اقتصادی و امثالهم. حتی اگر بتوان برآوردهایی منطقی از این آثار مستقیم داشت، باز هم آثار غیرمستقیمی وجود دارند، مثل زمان و بازده کار هدر رفته برای افزایش امنیت فرودگاه‌ها، ضرر ثابت در وضع مالیات لازم برای جبران خسارت قربانیان حملات، افت ارزش دارایی‌ها در کوتاه‌مدت (و شاید بلندمدت) در بازار بورس در اثر تغییر عملکرد و خطر مورد انتظار و امثالهم که سنجش آنها بسیار دشوارتر است. هزینه‌های بسیار زیاد دیگری شامل عضوگیری، تأسیس کمپ‌های آموزشی، تدارکات مانند غذا و سرپناه نیز بر گروه‌های تروریستی و اقدامات آنها تحمیل می‌شود<sup>۳</sup> که این هزینه‌ها نیز می‌توانست در بخش‌های مولد و کارآمد هزینه شود.

برآوردهای دقیق‌تر تأثیر تروریسم بر اقتصاد از مطالعات درگیری‌های تروریستی بلندمدت‌تر (ولو با شدت کمتر) حاصل می‌شوند. این مطالعات به دو صورت انجام شده‌اند: یا با تمرکز بر روی انواع خاصی از فعالیت اقتصادی یا با تمرکز بر روی اقتصاد یک کشور خاص. در خصوص مورد اول، تروریسم به واسطه افزایش خطر و کاهش بازده و سود مورد انتظار بر تخصیص منابع مالی برای سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد.<sup>۴</sup> برآوردهای ایشان نشان داده است که افزایش خطر تروریسم در یک کشور به طرز معنی‌داری باعث کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشور

1. Enders, Walter and Todd Sandler, *The Political Economy of Terrorism*. Cambridge, U.K.: Cambridge, 2006 .

2. Bardwell, H., & Iqbal, M, *The economic impact of terrorism from 2000 to 2018*. Peace Economics, Peace Science and Public Policy, 2021, 27(2), p 229.

۳. حاتمی، عباس و فاطمه رضایی، *تحلیل تطبیقی شیوه‌های تأمین منابع مالی القاعده و داعش: رهیافتی در اقتصاد سیاسی تروریسم*، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲۰۲۰، د ۲، ش ۲، صص ۴۷۸.

4. Abadie, Alberto and Javier Gardeazabal, "Terrorism and the World Economy." *Harvard University typscript*, . 2005, pp 58-62.

می‌شود.<sup>۱</sup> با مطالعه بر روی داده‌های کشور پاکستان، نشان دادند که یک درصد افزایش در تروریسم منجر به کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به میزان ۰/۱ درصد می‌شود و رشد اقتصادی را به میزان ۰/۰۲ درصد کاهش می‌دهد. برخی از تحلیل‌گران به آثار منفی و عظیم تروریسم بر روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور یونان و اسپانیای پی بردند.<sup>۲</sup> به همین منوال، دریافتند که تروریسم به طرز قابل توجه و معنی‌داری باعث تنزل جهانگردی در یونان، ایتالیا و اتریش شده است.<sup>۳</sup>

دو مطالعه جدید تأثیر تروریسم بر رشد اقتصادی در مناطق خاص درگیری را برآورد کردند. عده‌ای از محققان به بررسی چگونگی تنزل رشد اقتصادی در ناحیه باسک اسپانیا در اثر تروریسم پرداخته‌اند؛<sup>۴</sup> زیرا سازمان تروریستی اِتا غالباً در این ناحیه متمرکز شده است. آنها بر این اساس یک ناحیه باسک مصنوعی را با اصول آماری مبتنی بر سایر مناطق اسپانیا ساختند و آن را از نظر رشد (بدون تروریسم) با رشد ناحیه باسک واقعی مقایسه کردند. تحلیل و بررسی ایشان نشان می‌دهد که تروریسم این سازمان تولید ناخالص داخلی سرانه در ناحیه باسک را از آغاز تروریسم باسک در دهه ۱۹۶۰ تا ده درصد کاهش داده است.<sup>۵</sup> اصولاً اقتصادهای کوچک درگیر کمپین‌های تروریستی با آسیب‌های جدی در حوزه متغیرهای کلان اقتصادی نظیر مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی مواجه می‌شوند.<sup>۶</sup> در عین حال، اثرات تروریسم در اقتصادهای بزرگ‌تر و متنوع‌تر که می‌توانند سیاست‌های پولی و مالی مناسب را برای مقابله با رکود اقتصادی ناشی از تروریسم اجرا کنند، کمتر احساس می‌شود.<sup>۷</sup>

1. Zakaria, M., Jun, W., & Ahmed, H, Effect of terrorism on economic growth in Pakistan: an empirical analysis. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 2019, 32(1), pp 1794-1812.
2. Abadie, Alberto and Javier Gardeazabal "Terrorism and the World Economy." Harvard University typescript, 2005, pp 89-93.
3. Enders, Walter, Todd Sandler and Gerald F. Parise, "An Econometric Analysis of the Impact of Terrorism on Tourism." *Kyklos* 45(4), 1992, pp 531-554.
4. Abadie, Alberto and Javier Gardeazabal, "The Economic Costs of Conflict: A Case Study of the Basque Country." *American Economic Review* 93(1), 2003, pp 113-132.
5. Eckstein, Zvi and Daniel Tsiddon, "Macroeconomic Consequences of Terror: Theory and the Case of Israel." *Journal of Monetary Economics* 51(5), 2004, pp 971-1002.
6. Meierrieks, D., & Schneider, F, Terrorism and international economic policy. *European Journal of Political Economy*, 2021, 69, 102011.
7. Gaibulloev, K., & Sandler, T, What we have learned about terrorism since 9/11. *Journal of Economic Literature*, 2019, 57(2), p 321.

#### ۴. سرکوب تروریسم با اعمال تحریم اقتصادی

رژیم تحریم‌های سازمان ملل متحد اولین بار طی قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل (۱۹۹۹) ایجاد شد<sup>۱</sup> که این امر خود اقدامی در قبال اقدام‌های تروریستی در فرایند پیشگیری و سرکوب مورد محاسبه قرار می‌گیرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد تعدادی تدابیر را علیه افراد و نهادهای مرتبط با القاعده اعمال می‌کند.<sup>۲</sup>

##### ۴.۱. مواجهه حقوقی

تروریسم بین‌المللی نه تنها تأثیری فزونی بر فعالیت قانونی یک کشور، به ویژه به دلیل وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌گذارد، بلکه به توافق نظر عمومی در جامعه جهانی از نظر اتخاذ یک واکنش فوری و مؤثر برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم منجر شده است. شورای امنیت سازمان ملل در مبارزه با تروریسم به همان راهبرد آغاز شده در سال ۱۹۹۷ (که در سال ۱۹۹۸ تکمیل شد) با وارد کردن محدودیت‌های مالی و سفر بر اعضای اتحاد ملی استقلال کامل آنگولا متوسل شده است.<sup>۳</sup> شورای امنیت سازمان ملل متحد کشورهای عضو را به همکاری نزدیک در مبارزه با تأمین مالی تروریسم ملزم می‌کند. آنها این کار را با اعمال تحریم‌های تصویب‌شده توسط شورای امنیت انجام می‌دهند که در حقوق بین‌الملل الزام‌آور است. اعضای سازمان ملل باید رویه‌هایی برای انسداد دارایی‌های تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی داشته باشند. یکی از نمونه‌ها تحریم‌های مالی است که شورای امنیت علیه القاعده و طالبان وضع کرده است. این افراد اشخاص و سازمان‌هایی را هدف قرار می‌دهند که آنها را در فهرست تروریستی قرار داده است.<sup>۴</sup> هدف‌گیری افراد به جای یک حکومت خاص نشانه یک تغییر و تحول کیفی در سیاست تحریم شورای امنیت بود. این تحریم‌های به اصطلاح هدفمند که به تحریم هوشمند هم موسوم

1. <https://www.coe.int/en/web/moneyval/implementation/targeted-financial-sanctions>

۲. رژیم تحریم‌ها با تعدادی از قطعنامه‌های بعدی تقویت و اصلاح شده است. اقداماتی که کشورها طبق قطعنامه‌ها باید اجرا کنند، شامل انسداد دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و تحریم تسلیحاتی در رابطه با افراد تعیین‌شده توسط کمیته تحریم‌های سازمان ملل است. علاوه بر این، قطعنامه‌ها رویه‌هایی را برای فهرست کردن و حذف فهرست افراد، دسترسی به منابع مالی برای هزینه‌های اساسی و فوق‌العاده، حمایت از حقوق اشخاص ثالث، از جمله موارد دیگر پیش‌بینی می‌کنند.

3. Portuguese acronym for Uniao Nacional para a Independencia Total de Angola (National Union for the Total Independence of Angola).

4. <https://www.finma.ch/en/documentation/international-sanctions-and-combating-terrorism/financial-sanctions-against-terrorism/>

هستند، در شماری از قطعنامه‌های شورای امنیت با هدف اشخاص حقیقی و حقوقی که ادعا شده با طالبان و القاعده ارتباط دارند، درج شده‌اند. شورا به وسیله قطعنامه ۱۲۶۷<sup>۱</sup> در میان سایر موارد کشورها را موظف کرد وجوه نقدی و دارایی‌های مالی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل طالبان هستند، مسدود نمایند؛ همچنین قطعنامه ۱۳۳۳<sup>۲</sup> همان حکم را برای بن‌لادن و همدستانش صادر کرد. فهرست‌های سیاه برای نامیدن اشخاص حقیقی و حقوقی هدف به این قطعنامه‌ها پیوست شدند. قطعنامه ۱۳۹۰<sup>۳</sup> فهرست سیاه طالبان/ القاعده را تجدید کرد و دامنه تحریم‌ها را به هر شخص مرتبط با طالبان، بن‌لادن یا القاعده تعمیم داد و منع سفر و تحریم سلاح را بر القاعده تحمیل نمود. این اولین قطعنامه‌ای بود که از هر گونه رابطه با یک کشور یا قلمرو (سرزمین) خاص صرف‌نظر کرد.<sup>۴</sup> قطعنامه‌هایی که نظام تحریم هدفمند را مطرح کرده‌اند، برای تمام کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا هستند؛ زیرا به موجب فصل هفتم منشور سازمان پذیرفته شده‌اند.

به موجب این سه قطعنامه، یک کمیته تحریم با حکم نگهداری فهرست اشخاص حقیقی و هویت‌های شرکتی که باید تحت تحریم قرار بگیرند و همین طور نظارت بر اجرای تحریم توسط کشورها تشکیل شد، تنظیم فهرست‌ها طبق درخواست مکاتبه‌ای یک کشور انجام می‌شود. اشخاص حقیقی و حقوقی هدف می‌توانند درخواست حذف از فهرست را از طریق کشور محل اقامت یا شهروندی خود یا از طریق یک نقطه کانونی در دبیرخانه سازمان ملل تحویل دهند. کمیته تحریم بر اساس توافق عمومی عمل می‌کند.

از منظر حکومت قانون با توجه به عواقب سنگین این تحریم‌ها برای اشخاص حقیقی هدف آمرانه است که راه‌هایی قانونی برای این اشخاص باز باشند تا خواستار نوعی تجدیدنظر در معیارهای تحمیلی بشوند. مع‌الوصف فقدان ضمانت‌های قانونی جبران‌کننده اعمال قدرت سیاسی خودسرانه احتمالی توسط شورای امنیت (توسط کمیته تحریم) یک مشکل اساسی در تحریم‌های هدفمند شورا بوده است.

1. SC Res. 1267, 15 October 1999, S/RES/1267 (1999).

2. SC Res. 1333, 19 December 2000, S/RES/1333 (2000).

3. SC Res. 1390, 16 January 2002, S/RES/1390 (2002).

4. Cameron, 'UN Targeted Sanctions, Legal Safeguards and the European Convention on Human Rights', (2003) 72 Nordic Journal of International Law 159 at 164.

هرچند ابتدا امر تحریم‌ها به موجب قطعنامه ۱۲۶۷ بدون هیچ معیار شکلی خاص تحمیل می‌شدند، نقایص رویه‌ای در قطعنامه‌های بعدی که معیارهای تنظیم فهرست را مطرح<sup>۱</sup> و گزارش مورد تسلیمی توسط کشور نامنده و ابلاغ اجباری درج در فهرست به اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط را منظور می‌کردند، رسیدگی شدند.<sup>۲</sup> به‌علاوه دایر کردن یک نقطه کانونی در دبیرخانه سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> به منظور تحویل مستقیم درخواست حذف افراد حقیقی از فهرست، یقیناً نوعی اصلاح و پیشرفت است؛ زیرا چنین فردی برای آغاز رویه حذف از فهرست به نفع خود، دیگر وابسته به کشور متبوع یا محل اقامت خود نیست. یک پیشرفت خوشایند دیگر پذیرش قطعنامه ۱۸۲۲ شورا بوده است که طی آن مقرر گردید کمیته تحریم تمام اسامی در فهرست تحریم سازمان ملل در تاریخ پذیرش این قطعنامه را تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۰ مورد تجدیدنظر قرار دهد و پس از آن به طور سالانه تمام اسامی در فهرست یکپارچه‌ای را که طی سه سال گذشته مرور نشده‌اند، مرور کند.<sup>۴</sup>

واضح است که این اصلاحات و پیشرفت‌ها کفایت نمی‌کنند. اشخاص حقیقی با توجه به روال تنظیم فهرست‌ها حق استماع ندارند؛ چه رسد به حق استماع در بافت دادرسی قضایی که رأی توسط یک بخش قضایی یا شبه‌قضایی بی‌طرف صادر می‌شود. اگر تحریم‌ها دارای ماهیت کیفری تلقی شوند و چنانچه توسط نهادهای سازمان ملل مشخص شده صرفاً دارای ماهیت پیشگیرانه اداری نباشند، معیارهای محاکمه عادلانه به صورت تکریم‌شده در اسناد حقوق بشر مربوطه دخالت داده می‌شوند.<sup>۵</sup> هرچند کارشناسان امر و بخش‌های قضایی و شبه‌قضایی در مورد معرفی تحریم‌های هدفمند با عنوان حقوقی، کیفری یا اداری اختلاف نظر دارند،<sup>۶</sup> امر مسلم آن است تحریم‌هایی که عواقب سنگینی برای اشخاص هدف دارند، بدون وجود سازوکار حقوق بین‌الملل در خصوص بررسی صحت اطلاعات مبنای درخواست تنظیم فهرست یک کشور یا

1. SC Res. 1526, 30 January 2004, S/RES/1526 (2004).

2. SC Res. 1735, 22 December 2006, S/RES/1735 (2006).

3. SC Res. 1730, 19 December 2006, S/RES/1730 (2006).

4. SC Res. 1822, 30 June 2008, S/RES/1822 (2008) at paras 25 and 26.

5. Guidelines of the Committee for the Conduct of its Work, adopted on 7 November 2002 and last amended on 9 December 2008, at para. 6.

6. Bianchi, 'Assessing the Effectiveness of the UN Security Council's Anti-terrorism Measures: The Quest for Legitimacy and Cohesion', (2006) 17 European Journal of International Law 881 at 905; and van den Herik, 'The Security Council's Targeted Sanctions Regimes: In Need of Better Protection of the Individual', (2007) 20 Leiden Journal of International Law 797 at 806.

تناسب معیارهای اتخاذی تحمیل می‌شوند. پس کماکان این احتمال وجود دارد که افراد بر اساس هویت اشتباه در فهرست جا بگیرند.<sup>۱</sup> به نقل از دیک مارتی (سوئیسی)، بازرس مجمع پارلمانی شورای اروپا، یک کشور پیشنهاد می‌کند نام یک شخص حقوقی به فهرست اضافه شود و اغلب هیچ دلیل مبسوطی را برای آن ارائه نمی‌کند که حتی سایر اعضای کمیته تحریم را از آن مطلع سازد و کمیته هم بدون استماع موضوع یا حتی ابلاغ به شخص ذی‌ربط با آن پیشنهاد موافقت می‌کند.<sup>۲</sup> به علاوه، ماهیت اجماعی تصمیم‌گیری‌های کمیته تحریم بدان معناست که وقتی نامی در فهرست قرار گیرد، هر عضو شورا می‌تواند با برداشتن آن مخالفت کند؛ حتی اگر یک دادگاه ملی حکم تصدیق بی‌گناهی فرد نامبرده را صادر کند یا کشوری که در اصل نام او را برای فهرست معرفی کرده است، برداشتن نام او از فهرست تحریم را درخواست نماید.

#### ۴.۲. ضرورت اصلاحات

انتقاد کمیته حقوق بشر جدیدترین مورد در دامنه‌ای از اظهار نظرات قضایی و شبه‌قضایی موثق در مورد بی‌کفایتی نظام موجود تحریم‌های ضد ترور شورای امنیت است. کاستی‌های شکلی دخیل در روند پذیرش و اجرای تحریم‌های هدفمند شورا در احکام گوناگون دادگستری اتحادیه اروپا مانند پرونده مجاهدین<sup>۳</sup> و پرونده سیسون<sup>۴</sup> فاش شدند. برخلاف پرونده صیادی، فهرست کردن در پرونده‌های مجاهدین و سیسون بر اساس قطعنامه ۱۲۶۷ انجام نشد، بلکه به موجب

1. Marty, 'United Nations Security Council and European Union blacklists', Report of the Committee on Legal Affairs and Human Rights, Parliamentary Assembly, 16 November 2007, Doc. 11454 at Point C. II. ii. A., available at: <http://www.assembly.coe.int/Mainf.asp?link=/Documents/WorkingDocs/Doc07/eDOC11454.htm> [last accessed 12 April 2009].

2. Marty, 'UN Security Council black lists: Introductory memorandum', Committee on Legal Affairs and Human Rights, Parliamentary Assembly, AS/Jur 9 (2007) 14, 19 March 2007, ajdoc14 2007, available at: [http://assembly.coe.int/CommitteeDocs/2007/20070319\\_ajdoc14.pdf](http://assembly.coe.int/CommitteeDocs/2007/20070319_ajdoc14.pdf) [last accessed 12 April 2009].

3. Court of First Instance, Case T-228/02, Organisation de Modjahedines du peuple d'Iran v Council of the European Union, Judgment, 12 December 2006 (insufficient statement of reasons, violation of the applicant's right to a fair hearing); Case T-256/07, People's Mojahedin Organization of Iran v Council of the European Union, Judgment, 23 October 2008 (insufficient statement of reasons); and Case T-284/08, People's Mojahedin Organization of Iran v Council of the European Union, Judgment, 4 December 2008 (violation of the applicant's rights of defence and right to effective judicial protection).

4. Court of First Instance, Case T-47/03, Jose Maria Sison v Council of the European Union, Judgment, 11 July 2007.



قطعه‌نامه ۱۳۷۳ صورت گرفت.<sup>۱</sup> در حالی که تنظیم فهرست تحریم بر اساس قطعه‌نامه ۱۲۶۷ توسط کمیته تحریم صورت گرفت، قطعه‌نامه ۱۳۷۳ این وظیفه را به خود کشورها محول کرد. در بافت اتحادیه اروپا شورای اروپا فهرست‌ها را تنظیم و نگهداری می‌کرد. دادگاه بدوی اروپا در دو پرونده فوق‌الذکر رأی درج نام شاکیان در فهرست سیاه ضدترور اتحادیه اروپا را به این دلیل لغو کرد که شورای اروپا دلایل کافی برای فهرست کردن سازمان را ارائه و روال تنظیم فهرست حق استماع عادلانه را رعایت نکرده است. اما در مورد تنظیم فهرست‌ها بر اساس قطعه‌نامه ۱۲۶۷ شورای امنیت باید گفت دیوان دادگستری بین‌المللی در سپتامبر سال ۲۰۰۸ یک حکم مرزنا و برجسته را صادر کرد. در پرونده کادی و البرکات در برابر اتحادیه اروپا و کمیسیون جامعه اروپا دیوان دادگستری در میان محاکم منطقه‌ای و بین‌المللی اولین دادگاهی بود که اظهار داشت تحریم‌های تحمیلی توسط قطعه‌نامه‌های ضدترور شورای امنیت برخی حقوق اساسی در حقوق جامعه اروپا را نقض می‌کنند؛ یعنی حق استماع، حق جبران حقوقی نافذ و مؤثر و حق مالکیت، و این اولین باری بود که یک دادگاه صلاحیت خود را برای بررسی قانونی بودن یک معیار که به یک قطعه‌نامه شورای امنیت قوت قانونی می‌داد، اثبات می‌کرد.

علی‌رغم این حکم که معیار اجرا- قانون ۸۸۱/۲۰۰۲ شورای اروپا به تاریخ ۲۷ مه ۲۰۰۷- حقوق اساسی در حقوق جامعه اروپا را نقض کرده، دیوان بین‌المللی دادگستری هم مثل کمیته حقوق بشر دچار اضطراب و سرآسیمگی شده بود که بیان کند رسیدگی و تجدید نظر قضایی‌اش به تنهایی شامل قطعه‌نامه شورای امنیت نمی‌شود. دیوان بر این باور بود که هر حکم قوه قضائیه جامعه اروپا مبنی بر اینکه یک معیار جامعه اروپا برای دادن قوت قانونی به یک قطعه‌نامه شورای امنیت منظور شده با حکومت متعالی‌تر قانون در نظام حقوقی جامعه اروپا مغایرت دارد، هیچ مخالفتی با برتری و تفوق آن قطعه‌نامه در حقوق بین‌الملل نخواهد داشت.<sup>۲</sup> یک دادخواست علیه کشور سوئیس درباره اجرای قطعه‌نامه‌های شورای امنیت در خصوص معیارهای تحریم نیز در دیوان حقوق بشر اروپا مطرح و اقامه شد.<sup>۳</sup>

1. SC Res. 1373, 28 September 2001, S/RES/1373 (2001).

2. Ibid. at para. 288.

3. A/62/891-S/2008/428, at 4, available at: <http://www.securitycouncilreport.org> [last accessed 12 April 2009].

در حالی که پیشرفت‌هایی از نظر رویه تنظیم فهرست و حذف نام از فهرست حاصل شد، اما باز هم فاقد رعایت کامل اصل حکومت قانون هستند. مهم اینکه راهکار روند تنظیم فهرست در کمیته تحریم و در نقطه کانونی دبیرخانه سازمان ملل، سیاسی است. در این خصوص جمعی از کشورها ایده تشکیل یک هیئت کارشناسی مستقل و بی‌طرف را برای همکاری با کمیته تحریم در رسیدگی به درخواست حذف اسامی از فهرست مطرح کردند. این گامی در ایجاد توازن دقیق در بین صلاحیت و اقتدار شورای امنیت و کمیته تحریم‌های آن در عرصه صلح و امنیت جهانی از یک سو و الزامات اساسی رویه قضایی عادلانه و شفاف از سوی دیگر بود.

## نتیجه‌گیری

سازمان ملل متحد با هدف اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی، برای جلوگیری و اداره تعارضات و تهدیدات صلح، از ابزارها و روش‌های گوناگونی استفاده نموده است. براساس تمهیدات پیش‌بینی‌شده در منشور سازمان ملل، شورای امنیت می‌تواند با استفاده از ابزار تحریم، نسبت به تهدید امنیت و صلح بین‌المللی واکنش نشان دهد.

با این حال، اگر در بین اندیشمندان حقوق بین‌الملل در تفسیر مشروعیت یا عدم مشروعیت یافتن تحریم‌ها به دلایل مختلفی اختلاف نظر وجود دارد، اما شکی نیست که در این مورد متفق‌القول خواهند بود که تحریم‌ها می‌توانند موجب وقفه در روند هم‌زیستی بین‌المللی و نهایتاً ضربه به صلح و امنیت جهانی گردد. البته تا جایی که تحریم اقتصادی باعث رواج حوادث تروریستی اضافی بشود، بیشتر از آنکه خیر و صلاحی در آن باشد، لطمه وارد می‌کند. از این رو تصمیم‌گیران درباره سیاست خارجی باید قبل از پیاده‌سازی تحریم اقتصادی با هدف نیل به اهداف سیاسی خاص مانند بشردوستی، تجدیدنظر کنند و دست‌کم باید به جستجوی راهی برای به حداقل رساندن عوارض جانبی زیان‌بار ناخواسته‌ای که تحریم‌ها بر آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در کشور تحریم‌شده تحمیل می‌کنند، پردازند.

در انتها، تحریم اشخاص حقیقی که ابتدا با هدف مبارزه با تروریسم اعمال می‌شد، امروزه به بهانه نقض حقوق بشر، امنیت بین‌المللی و دستیابی به دانش و فناوری‌های نوین را هدف قرار داده است. با این حال، تحریم به اتهام نقض بخشی از حقوق بین‌الملل نمی‌تواند مجوزی برای نقض بخش دیگری از حقوق بین‌الملل باشد.

## منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. ایمن عبدالکریم، حسین، **تروریسم، عوامل و انگیزه‌ها و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی**، مجموعه نشریات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی بیان، ۲۰۱۸.
۲. زهرانی، مصطفی، **نظریه تحریم اقتصادی**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.

## مقاله

۳. اسدزاده بنایی، حسین و محمد رسایی، «تحلیل جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم در حقوق ایران»، *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۴۰۰، د ۱۷، ش ۲، پیاپی ۴۸، صص ۶۹-۱۰۰.
۴. امیرلی، حسین و کامیار ثقفی، «ارائه مدل مفهومی ارزیابی تهدیدات تروریسم سایبری»، *امنیت ملی*، ۱۳۹۸، د ۹، ش ۳۳، صص ۳۸۹-۴۲۴.
۵. حاتمی، عباس و فاطمه رضایی، «تحلیل تطبیقی شیوه‌های تأمین منابع مالی القاعده و داعش: رهیافتی در اقتصاد سیاسی تروریسم»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۱۴۰۱، د ۲، ش ۲، صص ۴۷۵-۵۰۱.
۶. ضیایی، سیدیاسر و علیرضا محمدی مطلق، «تحریم اشخاص حقیقی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم برخی اتباع ایرانی»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۳۹۳، ش ۸۸، ص ۱۵۱.

## ب) منابع انگلیسی

## Books

7. Abadie, Alberto and Javier Gardeazabal, **Terrorism and the World Economy**, Harvard University Typescript, 2005.
8. Benmelech, Efraim and Claude Berrebi, **Attack Assignments in Terror Organizations and the Productivity of Suicide Bombers**, Harvard University Typescript, 2006.
9. Berrebi, Claude, **Evidence About the Link Between Education, Poverty and Terrorism Among Palestinians**, Princeton University Industrial Relations Section Working Paper, 2003.

10. Enders, Walter and Todd Sandler, **The Political Economy of Terrorism**, Cambridge, U.K.: Cambridge, 2006.
11. Krueger, Aland B., **What Makes a Terrorist: Economics and the Roots of Terrorism**, Princeton: Princeton University Press, 2007.

#### Articles

12. Abadie, Alberto, "Poverty, Political Freedom, and the Roots of Terrorism", *American Economic Review* (Papers and Proceedings), 2006, 96(2), pp. 50–56.
13. Abadie, Alberto and Javier Gardeazabal, "The Economic Costs of Conflict: A Case Study of the Basque Country", *American Economic Review*, 2003, 93(1), pp. 113–132.
14. Altmann, Thomas & Jason Giersch, "Sanctioned Terror: Economic Sanctions and More Effective Terrorism", *International Politics*, 2022, 59, pp 383–397.
15. Bardwell, H., & Iqbal, M, "The Economic Impact of Terrorism from 2000 to 2018, Peace Economics", *Peace Science and Public Policy*, 2021, 27(2), pp 227-261.
16. Barry E. Carter, "International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime", *California Law Review*, 1987, 75, p 1166.
17. Drakos, Kostas and Andreas Gofas, "in Search of the Average Transnational Terrorist Attack Venue", *Defence and Peace Economics*, 2006, 17(2), pp73–93.
18. D. W. Bawett, "International Law and Economic Coercion", *Virginia Journal of International Law*, No. 16, 1976, p 86.
19. Eckstein, Zvi and Daniel Tsiddon, "Macroeconomic Consequences of Terror: Theory and the Case of Israel", *Journal of Monetary Economics*, 2004, 51(5), pp. 971–1002.
20. Enders, Walter, Todd Sandler and Gerald F. Parise, "An Econometric Analysis of the Impact of Terrorism on Tourism", *Kyklos*, 1992, 45(4), pp. 531–554.
21. Gaibullov, K., & Sandler, T, "What We Have Learned About Terrorism Since 9/11", *Journal of Economic Literature*, 2019, 57(2), 275-328.
22. Jean Combacau, "Sanctions, in: Rudolf Bernhardt", *Encyclopedia of Public International Law*, 1981, 9, p 337.

23. Krueger, Alan B. and Jitka Maleckova, "Education, Poverty, and Terrorism: Is There a Causal Connection?", *Journal of Economic Perspectives*, 2003, 17(4), pp. 119–144.
24. Li, Quan and Drew Schaub, "Economic Globalization and Transnational Terrorist Incidents: A Pooled Time Series Cross Sectional Analysis", *Journal of Conflict Resolution*, 2004, 48(2), pp. 230–258.
25. Meierrieks, D., & Schneider, F, "Terrorism and International Economic Policy", *European Journal of Political Economy*, 2021, 69, pp 102-11.
26. Navin A. Bapat, and Clifton Morgan, "Multilateral Versus Unilateral Sanctions Reconsidered: A Test Using New Data", *International Studies Quarterly*, 2009, 53, p 1075.
27. Rennie Atterbury, "Unilateral Sanctions: Relearning Forgotten", *American Society of International Law Proceeding*, 1997, 91, p 338.
28. Sumpter, C., & Franco, J., Migration, "Transnational Crime and Terrorism: Exploring the Nexus in Europe and Southeast Asia", *Perspectives on Terrorism*, 2018, 12(5), pp 36-50.
29. Zakaria, M., Jun, W., & Ahmed, H., "Effect of Terrorism on Economic Growth in Pakistan: An Empirical Analysis", *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 2019, 32(1), pp 1794-1812.

## **Suppression of Terrorist Acts through Economic Sanctions of the United Nations**

**Peyman NAMAMIAN** (Assistant Professor of Law, Arak University)  
**Mir Hadi HOSSEINI KONDELAJI** (Assistant Professor of Law, Arak  
University)  
**Alireza SHAKARBAIGI** (Assistant Professor of Law, Tehran Branch,  
Payam Noor University)

### **Abstract**

Economic sanctions have become increasingly prominent policy instruments since the beginning of the 21<sup>st</sup> century. Major global players, such as United States of America, European Union, and the United Nations, mostly use punitive economic measures to prevent state violence and other state actions deemed intolerable. Sanctions have been a major tool in crises including major human rights violations, terrorism, military aggression, proliferation of nuclear weapons and commercial disputes. Emphasizing on economic means distinguishes struggling against terrorist acts from other measures. Therefore, the economic and military power of states in process of dealing with such actions and the use of various economic tools such as the implementation of economic sanctions make curbing terrorist acts and protecting international security possible. Therefore, along with other effective action and reaction strategies in confrontation with terrorism, the most important strategy is to adopt sanctions approaches or prescribe economic sanctions when facing terrorist acts. Thus, regarding effective struggle against terrorism, economic sanction not only does not lead to violation of human rights, but also it is considered as a strategy to restore lost human rights.

### **Keywords:**

Terrorism, Economy, Economic Sanctions, Security Council, United Nations

